

### بقلم آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

## ابن سینا و دیگر حکمای اسلامی (۱)

- ۲ -

منطق - محقق دوانی در رساله توحید گوید که در میان دانشمندان علم منطق اختلاف است که اتصاف ذات موضوع بعنوان باامکان کافی است؟ یا بالفعل می باید تا هر گاه هر چه سیاحت کذا گوئیم مطلقاً حکم بر هر چه ممکن الاتصاف بسپاه کرده باشیم یا هر چه بالفعل متصف باشد بسیاری در یکی از سه زمان گذشته، حال آینده؟ معلم ثانی - فارابی عقیده دوم را اختیار کرد.

رئیس متاخرین شیخ ابوعلی اختیار قول دوم را نمی کرد. و تمام منصفان متاخران از ظاهر سخن شیخ ابوعلی آن فهمیده اند که اتصاف بالفعل بحسب نفس الامر می باید و مدار بسی احکام برین نهاده اند ولیکن شیخ در کتاب های اشارات و شفا تصریح بر خلاف این معنی نموده و اتصاف را اعم از نفس الامر و فرضی گرفته عبارتش در اشارات این است که فی بان کل واحد مما یوصف به سواء کان موصوفاً بح فی الغرض الذهنی ارفی الوجود وح و برهوشمند دانا پوشیده نیست که امکان اتصاف نیز اخذ می باید کرد چنانکه بآن تصریح کرده اند پس فرق میان مذهب شیخ و فارابی (۲) به مجرد اعتبار است در مذهب شیخ که او با امکان اخذ اتصاف بالفعل فرض کرده و فارابی نکرده است و ملا جلال الدین دوانی درین خصوص تحقیقانی دارد و دفع تشکیلات وارده را نموده است؛

۱ - بحثی درباره ابن سینا و محقق سبزواری در شماره ۸ مجله ارمغان شد چون مورد توجه دانشمندان قرار گرفت بنا برخواست آنان عنوانش را تغییر دادیم تا بیشتر در معرض افکار هوشمندان قرار گیرد م. ج

۲ - بر رساله شرح احوال و آثار معلم ثانی - فارابی بقلم نگارنده این سطور در شماره های سال بیستم مجله ارمغان مراجعه شود.

علم دو قسم است :

قاضی میرحسین یزدی در رساله جام گیتی نما گوید علم دو قسم است حصولی و آن بحصول صورت معلوم است در نزد عالم و حضوری و آن بحضور معلوم است نزد عالم مثل علم بانفس و بصفات قائمه بنفس ما و چون صفات حق تعالی عین ذات او است پس علم او حضوری باشد و شیخ الرئیس ابوعلی سینا در این مسئله مخالف قوم است میگوید علم حق تعالی بذات خود حضوری است و بسایر اشیاء حصولی و این سخن منافی قاعده مقررہ قوم است که فاعل شئی قابل آن شئی نمی تواند بود .

### عقیده بکیمیا

و در مقصد پنجم رساله جام گیتی نما گوید

بعضی از حکماء بر آنند که طلا و نقره و مس و آهن و قلم و سرب انواعند در تحت يك جنس و قلب یکی از ایشان بدیگری محال است نهایت کیمیا آنست که مس را مثلا رنگ دهند و نقره را رنگ طلا دهند و در باب کیمیا بر آنند که اجساد مذکوره اصنافند و در تحت يك نوع و طلا بمنزله انسان صحیح است و باقی بمنزله انسان بیمارند و اکسیردوایی است که از آله بیماری از ایشان میکند و امزجه ایشان را بمنزله صحت میرساند و بر تقدیر تسلیم که ایشان انواع باشند و انقلاب نوعی بنوعی محال نیست و ما می بینیم که هر عنصری بمجاور خود منقلب میشود و می بینیم که استخوان خرما عقرب میشود و برگ نی پشه میشود و «حنین اسحق» از جمله نافیان کیمیا است و شیخ الرئیس در شفا بر نفس است و رساله ای هم بر طبق آن نوشته و آخر بر غلط اطلاع یافته و رساله در اثبات آن رقم زده و کلك انصاف ساخته است .

### معاد جسمانی

فاضل یزدی در رساله جام گیتی نما گوید که محققان چنانچه معاد روحانی اثبات میکنند معاد جسمانی بروجهی انبیاء ص بیان فرموده اند مسلم میدارند و میگویند تصدیق آن واجب است و شیخ الرئیس در آخر کتابهای شفا و نجات تصریح باین معنی کرده و باوجود این تصریح امام محمد غزالی نفس معاد جسمانی باو نسبت داده و گویا

شیب آنست که معاد جسمانی منافی ابدیت عالم اجسام است و او قائل است بلزلیت و ابدیت ابن عالم بروجیهی که هست .

اصالت وجود - حاج ملاماوی سبزواری حکیم معروف در بحث اصالت وجود در کتاب شرح منظومه خود صفحه ۵ چاپ تهران ۱۳۹۸ حاشیه‌ای مرقوم داشته‌اند که تمام اساتید علم و حکمت روی سخن سبزواری را بشیخ احمد احسانی میدانند ترجمه حاشیه منظومه این است .

« هیچیک از حکماء باصالت وجود و اصالت ماهیت معتقد نبود مگر یکی از معاصرین که این عقیده را قائل است و قواعد فلسفی را محل اعتبار قرار نداد و در بعضی از مؤلفات خود گفته است وجود منشاء کارهای نیک است و ماهیت منشاء کارهای زشت و این امور اصلی هستند و اولویت برای اصلیت دارند بدیهی است که میدانید شر عدم بلکه است و علت عدم است و چگونه ماهیت اعتباری را تولید میکند بدان که برای ممکننی زوج ترکیبی ماهیت و وجودی است و ماهیت را کلی و طبیعی نیز میگویند که در جواب ماهو گفته میشود و هیچیک از حکماء نگفته‌اند که ماهیت و وجود دو اصل هستند چه این گفته لازمه‌اش این است که هر چیزی دو چیز متباینی باشد - انتهى »

نکارنده این سطور گوید .

شیخ احمد احسانی که قائل باصالت وجود و اصالت ماهیت شده است گویا از زردشت گرفته باشد که قائلند بدومبدء یزان و اهریمن که یکی را خیر محض و دیگری را شر محض میدانند .

تمام حکماء قائلند که شیئیت شیء بصورت است شیخ احمد احسانی میگوید شیئیت شیء بماده است .

« بقیه دارد »